



نگاهی به ائتلاف

معماری و علوم رفتاری

در نیم قرن گذشته

دکتر محمود رازجویان

۱- مقدمه :

تاریخ معماری نیمه دوم قرن بیست حکایت از حوادث بسیار می‌کند. از مهمترین آن‌ها شکست معماری مدرن، تولد پست مدرن، دیکانستراکشن و مشتقات آن‌ها قابل ذکر است. امروزه کمتر معماری است که با محتوای این اِیسم‌ها و نمود ظاهری آن‌ها آشنایی نداشته باشد، ولی افراد اندکی از ماجراهای متوقف‌کننده معماری مدرن و هموارکننده راه پست مدرن و دیگر نگرش‌های متأخر معماری آگاهی دارند. نوشتار حاضر، به یکی از عوامل عمده تشدیدکننده شکست معماری مدرن اشاره کرده و تبعات و تأثیرات آن را در فرایند معماری و آموزش آن دنبال می‌کند.

۲- تاریخچه :

متعاقب دو جنگ جهانی، نیاز وافر و رو به تزاید مسکن برای طبقه کم و میان درآمد جامعه اروپایی، بحرانی و مشکل ساز شده بود و برای حل بحران از معماران مشارکت فعال در امر طرح و احداث خانه‌های زیبا و راحت و متناسب نیاز جامعه انتظار می‌رفت. (۱)

لیکن جامعه معماری مدرن با وجود شعارهای اجتماع‌گرایی سردمداران آن اطلاعات کافی از خواسته‌ها، گرایشات، تمایلات این دسته از مشتری‌های تازه که معمولاً در تصمیم‌گیری‌های مراحل طرح و ساخت حضور نداشتند و غالباً از جانب آنان و به اسم آن‌ها تصمیم‌گیری به عمل می‌آمد در دست نبود. همین امر کیفیت محصول معماری را نازل‌تر از حد انتظار می‌کرد.

در باب علل تقصیر معماری صحبت بسیار شده است که پرداختن به آن خارج از موضوع این مقاله است و شاید ذکر این نکته در این جا لازم است که مشکل اساسی از کمبود مبانی نظری علمی (Positive) ریشه می‌گرفت. از سوی دیگر گمان می‌رفت که کلید حل مشکل در دست کارشناسان و صاحب‌نظران علوم انسانی باشد. علمی که تصور می‌شد درباره انگیزه و نیاز انسان‌ها آگاهی دارد. لیکن این گمان هم از واقعیت به دور بود چرا که این علوم نیز از لحاظ خط فکری حاکم بر نگرش و روش مطالعه خود، از واقعیت به دور افتاده بودند. (۲)

توضیح این که جامعه علمی زمان، در اشتیاق کسب اطلاعات ناب و خالص، به مطالعات آزمایشگاهی گرایش غالب نشان می‌داد. به این جهت، اطلاعات علمی موجود غالباً از محیط تحقیقاتی

کنترل شده به دست آمده بود که با محیط واقعی تفاوت قابل ملاحظه‌ای می‌کرد و به همین دلیل اعتبار تعمیم اطلاعات در دست، به زندگی روزمره زیر سؤال بود.

عدم تطابق یافته‌های آزمایشگاهی با واقعیت‌های محیطی، نارضایتی جماعت بسیاری از دانشمندان حوزه‌های مختلف علوم انسانی را برانگیخت. به طوری که مقدمات و شرایط مساعد برای بازبینی و تجدید نظر در نگرش و روش مطالعات انسانی به درستی فراهم آمد و فقط بهانه‌ای لازم بود که بازار مطالعات آزمایشگاهی کساد و باب تازه‌ای به نام تحقیقات محیطی باز گردد.

پس معماری و علوم انسانی هر دو درگیر مسأله مشترکی شده بودند که برای آن جوابی در دست نداشتند ولی در کنار هم توان بالقوه برای پاسخگویی به آن را احساس می‌کردند. این باور در دهه ۱۹۵۰ به ائتلاف انجامید و حوزه علمی تازه‌ای از مشارکت روانشناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و ... که از این جا به بعد علوم رفتاری نامیده می‌شود و رشته‌های کاربردی چون معماری، شهرسازی ... که اعتباراً معماری نامیده می‌شود با ویژگی میان رشته‌ای موجودیت پیدا کرده و مطالعه انسان در محیط واقعی هدف عمده آن معرفی شد. (۳)

۳- مشکلات اوایل ائتلاف:

نخستین سال‌های ائتلاف بدون اشکال و تلاطم نبوده است. دلایل اشکال را متعدد شمرده‌اند ولی اختلاف علایق و تفاوت روش‌های دانش‌اندوزی از عمده‌ترین آن‌ها قلمداد شده‌اند.

۱-۳-۱ اختلاف علایق:

معمار در طول عمر حرفه‌ای خود به موضوعاتی علاقه‌مندی نشان داده است که به طور مستقیم با "مکان" ارتباط پیدا می‌کند. چه مکان مربوط به زندگی خانوادگی چون اطاق، خانه و محله و یا مرتبط با نهاد اجتماعی چون مدرسه، بیمارستان و زندان باشد. در صورتی که علوم رفتاری علاقه‌مند به موضوعاتی است که "پدیده‌های" اجتماعی / فرهنگی چون محرمیت، قلمرو، شلوغی و امثال آن را در بر می‌گیرد. البته نباید تصور کرد که معمار فقط به مکان توجه دارد و لاغیر. از آن‌جاکه هر مکان بستر نوعی "پدیده" اجتماعی / فرهنگی است ناگزیر معمار با پدیده نیز سروکار می‌یابد. ولی همواره موضوع مکان در صحنه اول قرار خواهد داشت. به همین ترتیب علوم رفتاری عمدتاً به "پدیده‌ها" توجه دارد ولی نمی‌تواند نسبت به مکان بی‌اعتنا باشد چراکه هر پدیده اجتماعی بالاخره در مکانی معین امکان وقوع پیدا می‌کند. (۴)

اختلاف علایق معماری و علوم رفتاری در نحوه مشارکت این دو رشته در فرایند خلق محیط مصنوع نیز اثر گذاشته بود. معماری به "برنامه‌ریزی" یعنی تعیین نیازها و ارایه "طرح" و بالاخره پیشنهاد مکان مناسب برای ارضاء نیازها و ساخت مکان گرایش نشان می‌داد. در صورتی که علوم رفتاری به مطالعه "نحوه استفاده" از محیط و "ارزیابی محیط" از لحاظ

انطباق آن با نیازهای جامعه تمایل داشت. این اختلاف گرایش در اوایل ائتلاف، همکاری دو رشته را برای مشارکت فعال و گروهی در همه مراحل خلق محیط دچار اختلال کرده بود.

۲-۳-۲ تفاوت روش‌های دانش‌اندوزی:

۱-۲-۳-۲ حکم‌گرایی در مقابل فرضیه‌گرایی:

روش‌های متفاوت دانش‌اندوزی در اوایل ائتلاف مانع بهره‌وری دو رشته از وجود یکدیگر شده بود. چون معمار که همواره با ساختن سروکار دارد لاجرم "حکم‌گرا" می‌شود و "حکم"، راه‌حل کلامی مسأله معماری است که از نظر معمار قابل تبعیت است و باید همه شرایط ساخت برای وقوع آن تنظیم گردد.

در صورتی که علوم رفتاری به دنبال حل مسائل با روش علمی است و به همین دلیل "فرضیه‌گرا" است. "فرضیه" عبارت است از پاسخ هوشمندانه به مسأله مورد تحقیق که صحت آن می‌تواند قابل تردید باشد. همکاری‌های این دو گرایش متفاوت احتمالاً در اوایل ائتلاف بدون اشکال نبوده است چراکه اگر معماری از علوم رفتاری سنوالی می‌داشت نمی‌بایست جواب آن را با قاطعیت "حکم‌معماری" دریافت کرده باشد. (۵) چراکه پاسخ‌ها در آن اوایل احتمالاً فقط اظهار نظرهای متکی بر فرضیه‌های آزمون نشده بوده است.

۲-۲-۳-۲ سنتزگرایی در مقابل تجزیه‌گرایی:

ضمناً معمار روش "ترکیب کردن" را شگرد خود می‌دارد. به این معنی که می‌داند چگونه اجزاء منفک و متفاوت را به یکدیگر پیوند زده و پدیده‌ای کل خلق کند. در این مسیر چنان مهارت حاصل کرده است که

گاه با وجود اطلاعات ناقص قادر به جمع‌بندی و خلق فضا و مکان می‌شود. این گونه مهارت‌ها نیاز به "پهنانگری" دارد که همواره معمار از این باب در جامعه شاخص بوده است. وسعت نظر نخستین مؤلف کتاب در معماری، یعنی ویتروویوس شاهد خوبی بر این ادعا است. (۶)

در مقابل، عالم علوم رفتاری آموخته است که چگونه یک پدیده کل را با روش‌های لازم به اجزاء تشکیل دهنده آن تجزیه کند و از این تجزیه‌گری راه را برای درک واقعیت هموار سازد. چنین قابلیت نیاز به "زرفانگری" دارد.

پدیده‌ای است که در فرایند خلق آگاهانه معماری هر دو نگاه تجزیه‌گرایی و سنتزگرایی می‌توانند در جای خود و یا به صورت مکمل در یک مرحله معین مفید واقع شوند. برای مثال در مراحل آغازین فرایند طراحی یعنی مرحله انجام مطالعات مقدماتی و مرحله پایانی یعنی ارزیابی کیفی محیط، نگاه تجزیه‌گرایی بیش از سنتزگرایی کارساز است. در صورتی که در مرحله میانی خلق اثر، یعنی ارایه طرح و ساخت نگاه، سنتزگرایی بر تجزیه‌گرایی چیره‌گی خواهد یافت.

ولی بهر حال اختلافات مذکور اگر چه در ابتدای ائتلاف از لحاظ بازده همکاری دو رشته، دست و پاگیر بود، ولی در عمل بهانه مناسبی برای خودشناسی معمار و وسیله‌ای برای رفع کاستی‌های او شده است. به طوری که امروزه در اثر این آگاهی‌ها تغییرات بنیادی در نگرش او به آموزش و فرایند خلق اثر وارد شده است.

۴- از فواید ائتلاف:

۱-۴-۱ آموختن روش دانش‌اندوزی علمی:

از مزایای عمدهٔ ائتلاف، آشنایی معمار با روش علمی اخذ اطلاعات و شیوهٔ دانش‌اندوزی علمی از دهه پنجاه به این سو بوده است. نشانه‌هایی از این آشنایی در کار معماران آن‌سوی ائتلاف در دست نیست. دلیل آن نیز شاید ۱- عدم اعتقاد طراحان به روش علمی و ۲- عدم آشنایی آن‌ها با آن روش بوده است.

عدم اعتقاد جامعه بزرگی از هنرمندان به روش علمی موضوع ناشناخته نیست. شاید این باور از این جا ریشه گرفته است که گمان می‌رفته است که روش علمی از قدرت خلاقهٔ طراحی می‌کاهد. اگر چنین ادعایی صحت داشته باشد باز هم نباید فراموش شود که فرایند خلق اثر معماری از مراحل مختلفی تشکیل می‌شود که تمام مراحل آن نیاز به قدرت خلاقه هنری نخواهد داشت. چنانچه در مراحل پیشین طراحی یعنی مرحلهٔ جمع‌آوری اطلاعات و برنامه‌ریزی و مراحل پسین آن یعنی مرحلهٔ ارزیابی معماری از دیدگاه مصرف‌کننده آن در جامعه نه تنها ملاک‌های هنری بی‌رنگ می‌شود بلکه در مقابل، جنبه‌های علمی مطالعات برجستگی قابل ملاحظه‌ای خواهد یافت.

به علاوه تاریخ جوامع نشان می‌دهد که گاه در مواقعی بحرانی ضرورت ساخت و ساز سریع و انبوه در یک زمینه به میزانی می‌رسد که خواسته‌های هنری از اهمیت ساقط می‌شوند. در این موارد تنها روش علمی است که می‌تواند از خطاهای احتمالی در مسیر تولید به میزان قابل ملاحظه‌ای به کاهد.

برای عدم آشنایی معمار با روش علمی دانش‌اندوزی در سال‌های قبل از ائتلاف شواهد بسیاری در دست است. نمونه‌های عدم موفقیت معمار به دلیل دل‌بستن به اطلاعات "غیرمعتبر" و "غیرمطمئن" و "تعمیم" ناصحیح یک راه‌حل معماری به موارد غیرمشابه کم نبوده است. کارنامهٔ معماری بین‌المللی از این بابت خالی از اشکال نیست. (۷)

خوشبختانه از اوان ائتلاف به این طرف نه تنها روش علمی دانش‌اندوزی جای خود را در فرایند طراحی باز کرده است بلکه مطالعات تحقیقاتی معتبری در زمینه رابطهٔ متعارف انسان و محیط واقعی توسط معماران و طراحان محیط انجام و به گنجینه دانش میان رشته‌ای روانشناسی محیط افزوده شده است.

شایان ذکر است که چون روش علمی قانونمند است لذا آموختن آن مشکل نیست. ولی برای دسترسی به واقعیت که هدف اصلی است، توجه به دو نکته به شرح زیر برای معماران ضروری است. اول آن‌که در ابتدای کار گرفتار باور غلط "جزمیت معماری" نباشند. "جزمیت معماری" یکی از پیش‌داوری‌های حرفه‌ای رشته معماری است که سالیان دراز معماران را گرفتار تعصب کرده بوده است. از این لحاظ که تصور می‌کردند که طراحی محیط فیزیکی در تعیین روابط اجتماعی نقش کلیدی دارد. این طرز تفکر که تاثیر خود را در مقیاس کوچک و بزرگ از طرح یک واحد ساختمان تا طرح نو شهرها، از اوایل قرن برجا گذاشته است می‌رود که با شکست روبرو شود. چرا که تاریخ شاهد نمونه‌های معماری بسیاری است که در مرحله طراحی جایزه بهترین طراحی را به خود اختصاص داده باشند ولی در عمل نه تنها در بهبود کیفی زندگی مردم نقشی نداشته بلکه هرگز با استقبال مردم روبرو نشده‌اند. (۸) بحث دربارهٔ باور "جزمیت معماری"، ریشه‌های آن و عواقب پیروی از این باور بخش عمده‌ای از ادبیات روانشناس محیط را تشکیل می‌دهد. پیمایش آن‌ها جای دیگری را طلب می‌کند. آنچه در این مختصر قابل ذکر است این که برای فرار از دام جزمیت معماری باید میان "محیط بالقوه" یعنی محیطی که در ذهن معمار وجود داشته و با آرمان‌های او آمیخته است و "محیط بالفعل" یعنی محیطی که در

عمل ساخته و مورد بهره‌برداری مردم قرار می‌گیرد تفاوت قابل شد. هر محیط بالقوه قابلیت تبدیل به محیط بالفعل را نخواهد داشت مگر این‌که برای شرایط فرهنگی / اجتماعی آن نیز برنامه‌ریزی شود. دوم آن که بدون تعمق کافی درباره "اعتبار" و "اطمینان" یافته‌های مطالعاتی (۹) و بدون ارزیابی کافی از شرایط صحت "تعمیم" از تسری راه‌حل‌های معماری بهره‌مند. این دقت در مواردی که موضوع مطالعه و طراحی مسکن جامعه‌ای ناشناس در پیش است باید مضاعف گردد چرا که در این حالت به تعداد عوامل ناشناخته اضافه می‌شود.

نگاهی اجمالی به کارنامهٔ آموزش معماری نشان می‌دهد که از بابت توجه به "صحت تعمیم" راه‌حل‌های معماری تا سر منزل مقصود، فاصله بسیاری در پیش است. در این مسیر حتی به مرحله آشنایی با "طرح‌های جنریک" (طرح‌های ناظر به جوهر مسئلهٔ مشترک میان افراد جامعه مورد مطالعه) نیز نرسیده‌ایم. بدتر از آن این که اصولاً راه‌حل‌های "جنریک" موضوع مورد توجه برای آموزش نیست. فضای تربیتی / فرهنگی حاکم بر دانشکده‌ها نیز جایی برای اندیشیدن به طرح‌های جنریک را نمی‌گذارد. در گرایش‌های امروزی جهت‌گیری دانشکده‌ها به سوی بدیع‌آفرینی است و در این مسیر طرح‌های اعجاب‌انگیز بی‌سابقه بدون اتصال به گذشته مورد تحسین قرار گرفته و سرمشق می‌شوند. غافل از این که این گونه طرح‌ها در بسیاری از موارد قادر به در نظر گرفتن کلیه ابعاد مربوط به تمامیت مسئله موردی خود نیستند چه برسد به آن‌که مسئله جماعت بزرگ نیازمند واقعی را با کلیتی معقول در نظر گرفته و در صدد حل آن باشند.

آنچه از این رهگذر حاصل مدرسه‌ها شده است عبارتند از: ۱- برداشت ناصحیح "بدیع‌آفرینی" در ذهن جوانان مشتاق پرشور؛ ۲- قهرمان‌پروری

ناسالم؛ ۳. پیروی از مبانی نظری آرمانی جماعتی از معماران جهانی که هرچند گاه به ضرب و زور سرمایه گذاری‌های جوامع استعمارگر صفحات مجلات و فضای مجالس معماری جهان را جولانگاه ناخست و تازهای خود می‌کنند.

۲-۲. دسترسی به گنجینه تئوری‌های علمی : "Positive Theory"

تئوری علمی به آن دسته از مبانی نظری اطلاق می‌گردد که در مراحل تکوین آن، روش علمی ملحوظ شده باشد. در این نوع تئوری عوامل مستقل، وابسته، مداخله‌گر اغتشاش‌کننده معلوم و قابلیت و میزان صحت تعمیم تئوری روشن است. تئوری علمی Positive به موضوعات و زمینه‌های مطالعاتی مختلف می‌پردازد که اهم آن به قرار زیر است:

- ۱- گونه‌بندی مکان‌ها و پدیده‌ها؛
- ۲- معرفی واحدهای معتبر سنجش و اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل مکان‌ها و پدیده‌ها؛
- ۳- تجزیه پدیده‌ای کل به اجزاء معنادار و تشکیل دهنده آن؛
- ۴- تعیین روابط؛

۵. تحلیل و پیش‌بینی واقعیت‌ها. (۱۰)

امروزه گنجینه مطالعات علمی در حوزه مختلف معماری و علوم رفتاری از غنای قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. به طوری که برای غالب سؤالات مطرح در معماری اعم از سؤالات کهنه یا نو، پاسخ موجود و یا رهنمود لازم برای دستیابی به پاسخ وجود دارد. دسترسی به این گنجینه در دنیای غرب آسان و استفاده از آن‌ها بدون اشکال است. ولی استفاده از این مطالعات در دنیای ما نیازمند احتیاط بوده و دقت در شرایط تعمیم و یافته‌های تحقیقاتی را طلب می‌کند. با وجود این از لحاظ کلیات و مشترکات عمده انسان‌ها

می‌توانند مورد استفاده واقع شوند.

ضمناً اگر به این واقعیت توجه شود که خط فلسفی این تحقیقات در طول نیم قرن بدون تغییر نبوده است به طوری که می‌توان گنجینه مطالعات حوزه روانشناسی محیط را به چند دسته متمایز تقسیم کرد، نحوه استفاده از گنجینه آگاهانه‌تر و سرعت دسترسی به اطلاعات سریعتر خواهد شد. به این منظور ذیلاً از خط فلسفی متفاوت حاکم در دوران مختلف و موضوعات عمده مطرح شده با هر یک از آن‌ها معرفی اجمالی به عمل خواهد آمد.

۵-۱. پیمایش در دیدگاه‌های تئوری علمی :

ادبیات موجود در گنجینه حوزه انتلافی معماری و علوم رفتاری به چهار دوره تقسیم شده است که در هر دوره نگرشی معین به انسان به شرح زیر در صحنه مقدم قرار گرفته است :

۱-۵. انسان پدیده‌ای با توانمندی مکانیکی:

این طرز تفکر با مهندسی انسانی و نگاه سخت‌افزاری جامعه به کار و فعالیت که خاص دهه‌های پنجاه و شصت میلادی بوده است خویشاوندی دارد. در این نگرش هدف خلق محیط فیزیکی متناسب با توانمندی و محدودیت‌های احساسی، حرکتی و هوشی انسان بوده است و شعار متناسب‌سازی ماشین برای انسان شعار عمده می‌شود.

"آنتروپومتریکز" و "ارگونومیکز" دو زمینه مطالعاتی با این طرز تفکر به شمار می‌روند. آنتروپومتریکز ابعاد فیزیکی انسان، محدودیت‌ها و توانایی‌های او را مورد مطالعه قرار داده و ارگونومیکز به مسایل مربوط به رابطه انسان و ماشین توجه دارد. زاویه نگاه، آنتروپومتریکز و ارگونومیکز خود

در طی سال‌ها تفاوت‌های محسوسی کرده است. به طوری که امروزه سه مرحله متمایز مطالعاتی می‌توان تشخیص داد. در مرحله نخست به ماهیت ماشین توجه عمده شده بود و سعی در متناسب‌سازی انسان برای ماشین می‌شده است. در مرحله دوم به راحتی انسان توجه بیشتر شده و ماشین برای استفاده راحت‌تر انسان‌ها مطرح می‌گردد. بالاخره در مرحله سوم به کلیت بستر رفتاری برای راحتی عملکردی انسان توجه می‌شود. جدول یک ضمیمه، فهرست مختصری از مطالعات عمده با این نگرش را ارائه می‌دهد.

۲-۵. انسان پدیده‌ای ادراکی / انگیزه‌ای :

در این نگرش انسان مجموعه‌ای از فرایندهای درونی (ادراک حسی و عقلی ...) و تاثیرپذیر از انگیزه و هیجانات همراه با محرک‌های محیطی (فشار، گرایش مثبت و منفی) و عکس‌العمل‌های معنایی و محتوایی (تشخیص، غنا، پیچیدگی، معناداری و ارزیابی) نسبت به محیط است. این نحوه نگرش از سوی معماران و طراحان محیط نیز با استقبال زیاد مواجه بوده است. چراکه آگاهی از نحوه ادراک و احساس و عکس‌العمل‌های انسان نسبت به محیط امیدواری دسترسی به کیفیت بهتر محیط را در دل‌ها زنده و تطابق محیط بالقوه و بالفعل را نوید می‌داده است.

امروزه گنجینه ادبیات روانشناسی محیط در این زمینه از غنای قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و تئوری‌ها و روش‌های تحقیقاتی متنوع از جمله تکنیک‌های رایج "پرسشنامه"، "فرایند نرخ‌گذاری" (Rating Process) و "تسمایز معنایی" (Semantic Differentiation) مورد آزمایش قرار گرفته و پالایش یافته‌اند.

علاوه بر روش‌های بالا، تکنیک ترسیم نقشه

ذهنی" (Mental Map) نیز مورد استفاده بسیار داشته است. در این روش از اشخاص مختلف خواسته می شود که نقشه خانه، محله و منطقه محل زندگی خود را ترسیم کنند و سپس محتوای نقشه ها مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد.

از روش "مصاحبه" نیز برای مطالعه ادراک محیط بهره گرفته شده است. به این ترتیب که پژوهشگر ضمن قدم زدن با اشخاص در محیطی معین، نظر آنان را نسبت به محیط خواستار می شود و سپس به تحلیل محتوای یافته های پژوهش می پردازد. جدول دو ضمیمه، فهرست کوتاهی از مضامین مطرح شده در این دیدگاه و مطالعات پایه انجام شده را ارائه می دهد.

۳-۵- انسان متجلی در رفتار :

این دیدگاه مطالعاتی، بر این باور است که از طریق مطالعه رفتار انسان که نمودی ظاهر و مشهود است می توان به خصوصیات او پی برد و به مضامینی که فضا در آن ها موضوعیت می یابد چون "مالکیت فضایی"، "خلوت دفاعی"، "قلمرو دفاعی"، توجه خاص می کند.

روش غالب این دیدگاه کسب اطلاعات از محیط واقعی از راه مشاهده بدون تشنج آفرینی است. هر چند که در مواردی نیز از روش آزمایشگاهی برای مطالعه دقیق تر در ماهیت پدیده های "هاله انسانی"، "فاصله گذاری"، "قلمرو دفاعی" بهره برداری شده است.

این دسته از مطالعات از سوی معماران و طراحان محیط با استقبال روبرو بوده است و غنای گنجینه مطالعاتی آن نیز رو به تزاید است. جدول سه ضمیمه، مضامین مطرح و مطالعات معتبر از این دیدگاه را به اختصار معرفی می کند.

۴-۵- انسان پدیده ای مبتنی بر بوم :

در این نگاه انسان به عنوان پدیده ای مرکب از قابلیت های درونی و نمودهای بیرونی در رابطه ای متعارف با محیط مورد مطالعه قرار می گیرد. نیروهای درونی انسان را ادراک حسی و عقلی و احساسات و حالات هیجانی او تشکیل داده و نمودهای بیرونی او در محیط به صورت های مختلف رفتاری اعم از :

الف - کلامی و شبه کلامی (چون استفاده از معنای کلام با آهنگ و شدت و سبک معین)؛
ب - غیرکلامی (چون استفاده از حالت و ژست بدن و رفتارهای نشانه ای چون لبخند و نگاه و اشارات دست و پا)؛

ج - رفتارهای مکان محوری (مانند استفاده از مکان، فضا، اشیاء، ... برقراری ارتباط با مردم با استفاده از مکانیسم "قلمرو دفاعی" فاصله گذاری و آرایش مبل و اشیاء و انتخاب و استفاده از اشیاء محیطی ظاهر می شود. (۱۱)

ادبیات روانشناسی محیطی در این زمینه جوان است ولی می رود که به زودی جای خود را در میان پژوهشگران این حوزه بیشتر باز کرده و سپهر تکاملی لازم را پیماید. جدول چهار ضمیمه، مضامین مطرح و برخی از مطالعات معتبر با این نحوه نگرش را معرفی می کند.

باید پذیرفت که دسته بندی فوق هنوز جامع و مانع نیست ولی به هر جهت تصویری از موضوعات پیگیری شده در حوزه ائتلافی علوم رفتاری و معماری را ارائه می دهد که از لحاظ دسترسی به اطلاعات می تواند مفید واقع شود.

۶- تأثیر علوم رفتاری در فرایند حرفه معماری :

جامعه مؤتلف معماری و علوم رفتاری تعریف تازه ای از فرایند کامل معماری ارائه کرد که مورد استقبال معماران مایوس از جنبش مدرن واقع شد. قبل از آن، فرایند معماری از سه مرحله عمده :

۱- مطالعات مقدماتی ۲-ارایه طرح و ۳-ساخت و برپایی متشکل می شد که بین آن ها رابطه یک طرفه وجود داشت، تصویر یک - ولی در دوران ائتلاف پس از حصول آگاهی از عدم تطابق محیط بالقوه و بالفعل با یکدیگر، مرحله "پیمایش از نحوه استفاده مردم" هم به عنوان مرحله چهارم به مراحل بالا اضافه شد. ضمناً کلیه مراحل در رابطه رفت و برگشتی با یکدیگر مرتبط و بالاخره یک رابطه پس خوردنی عمده به نام پیامد استفاده، مرحله استفاده و بهره برداری را به سایر مراحل و به خصوص مطالعات مقدماتی اتصال داد، تصویر دو.

مطابق این الگو، یک اثر معماری هنگامی به سرانجام می رسد که نحوه بهره برداری از اثر ارائه شده در طی مقاطع زمانی معنی دار، مورد مطالعه قرار گرفته و در سابقه اثر ثبت و ضبط گردد.

مدل بالا موجب تغییراتی محسوس در سازمان و نحوه اداری برخی از دفاتر معماری عالم شد و هر یک به طریقی برای هموارسازی مسیر "پس خوردن استفاده" به مطالعات اولیه همت گماشتند.

برای مثال تعداد زیادی از دفاتر معماری بخشی از تشکیلات حرفه ای خود را به درون جوامع در حال عمران منتقل کردند و مردم را در کلیه مراحل مطالعات مقدماتی، طرح و ساخت شرکت دادند تا در مرحله بهره برداری و استفاده با موفقیت بیشتری برخوردار باشند و از این مسیر نیز تجربیات ارزنده ای به اندوخته های معماری اضافه شد. (۱۲)

۷- تأثیر علوم رفتاری در آموزش معماری :

این سیاست در بعضی از مدارس معماری هم با استقبال روبرو شد و واحدهایی از طراحی کارگاه‌های معماری به "معماری با مردم" اختصاص داده شد. روش کار هم چنین بود که دانشجویان به ازاء واحد انتخابی و قابل قبول موسسه آموزشی خود، در کار عمران و سازندگی "ساخت و ساز با مردم" مشارکت می‌جستند.

علاوه بر آن برخی از دانشکده‌های معماری، آشنایی با علوم رفتاری را جزو درس‌های اصلی ارایه دادند. به امید آن که دانشجویان از تجربیات علوم رفتاری بهره‌گرفته‌آمادگی لازم برای مراجعه به واقعیت و اخذ اطلاعات از محیط واقعی را کسب کنند. در بعضی از مدارس معماری نیز از اندیشمندان علوم رفتاری دعوت به عمل آورده شد که به عنوان هیئت علمی رسمی در اداره کارگاه‌های معماری از ابتدا تا انتها به همراه معماران کارگاه، مشارکتی گروهی بسته و تجربیات و یافته‌های معتبر خود از محیط واقعی را در اختیار کارگاه بگذارند. همچنین برخی از دانشکده‌های معماری به دفتر فنی و بخش تحقیقات مجهز شدند. (۱۳)

البته نباید فراموش کرد که همکاری معمار با متخصصان علوم انسانی در تاریخ معماری سابقه قدیمی‌تر دارد. برای مثال همکاری معماران با وهاوس با روانشناسان گشتالت نمونه فراموش نشدنی است. ولی آنچه این دوره را از دوره‌های قبل متمایز ساخته است پذیرش باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها و سلايق مردم به عنوان موضوعی با اهمیت و قابل مطرح شدن در محاسبات و ملحوظات مرحله مطالعات مقدماتی و مراحل متعاقب آن است - اتفاقی که در جامعه غالب معماری مدرن نه تنها سابقه نداشت بلکه امکان وقوع نمی‌یافت (فقط ارزش‌نخبگان قابل قبول بود).

با توجه به توضیحات بالا قابل درک است که

همکاری متخصص علوم رفتاری در فرایند معماری نقش کلیدی داشته است چرا که بهتر از معمار شیوه حشر و نشر با مردم و اخذ اطلاعات از مصرف‌کننده واقعی را می‌دانست و در واقع می‌توانست به عنوان مترجمی صالح میان معمار و جامعه بهره‌بردار از معماری فعالیت داشته باشد.

نگاهی اجمالی به فهرست هیئت علمی دانشگاه‌های معتبر عالم مؤید این نکته است که اوج همکاری‌های بالا در دهه هفتاد و هشتاد اتفاق افتاد و از آن پس از تب و تاب آن به میزان محسوسی کاسته شده است. ولی با وجود این که پیغام اصلی جامعه مؤتلف معماری و علوم رفتاری که توجه به مردم مصرف‌کننده برای نزدیک شدن محیط بالقوه و بالفعل است توسط برخی از شاخه‌های موج پست مدرن به انحراف کشیده شد، همچنان سازمان‌های تشکیلاتی برخی از دانشگاه‌های معماری عالم متأثر از اهداف جامعه انتلافی معماری و علوم رفتاری است که جای بسی خشنودی است.

۸. خلاصه و جمع‌بندی :

در مقاله بالا از نیاز پس از جنگ جهانی جامعه غرب به ساخت و ساز سریع مسکن با کیفیتی مطلوب برای مشتری ناشناس به عنوان یکی از عوامل تشدیدکننده شکست معماری مدرن یاد شد و از انتلاف معماری و علوم رفتاری برای پیدایش دانشی میان رشته‌ای به منظور پاسخگویی به نیاز زمانه صحبت به میان آمد. همچنین از مشکلات سر راه انتلاف و فواید حاصل از انتلاف برای معماری و تاثیر آن در فعالیت‌های حرفه‌ای و آموزش معماری بحث شد. بالاخره در پایان از موضوعات عمده مطرح شده در این رشته (همراه منابع اطلاعاتی عمده در ضمیمه) برای راهنمایی دانش‌پژوهان معرفی مختصر به عمل آمد.

باید توجه داشت که سفر معماری به وادی علوم دیگر از جمله فلسفه، زیست‌شناسی، ارتباطات، مدیریت در نیم قرن گذشته مکرراً اتفاق افتاده و موضوع تازه‌ای نیست. اما آنچه این سفر را از دیگر سفرها متمایز می‌کند جامعیت و قابلیت کاربردی ره‌آوردهای این سفر روحانی است. به طوری که امروزه برای غالب سؤالات کلیدی در زمینه‌های عمده مربوط به معماری از جمله "راحتی" و "زیبایی" به مجموعه‌ای از تحقیقات بنیادی و کاربردی می‌توان دست یافت.

در خاتمه جای این سؤال باز می‌شود که چرا این انتلاف همانند دیگر جنبش‌های متعاقب معماری مدرن نتوانست تا به امروز پیروان عدیده داشته باشد؟ دلایل بسیاری که در این جا به عمده‌ترین آنها اشاره خواهد شد.

اولاً، که شیوه ارتباط معمار با محیط اطرافش عمدتاً بصری است و مشاهده در یادگیری او نقش کلیدی دارد. در این مسیر اطلاعات محیطی هنگامی به ذهن او بهتر نفوذ کرده و ملکه خاطرش می‌شود که چشمگیر و جاذب باشد. طبق این قاعده تصاویر پر طمطراق آثار نیز بسیار کار سازند.

متأسفانه از این جهت عملکرد این علم میان رشته‌ای درخشان نبوده است. چرا که زبان ارسال پیام آن معمولاً کلامی است و نشریات آن در شکل و قواره کتاب بوده و در نتیجه از جهت صفحه‌آرایی و کیفیت کارهای مطبوعاتی همتای مجلات لوکس معماری نیستند. (۱۴) این امر در جذب بازار مشتری نه تنها در این سوی عالم بلکه در سرزمین‌های اصلی نشو و نمای این علم نیز بدون تأثیر نبوده است. لذا هر چند که در کنه مطالعات این علم زیبایی و لذت ناب حقیقت‌جویی نهفته است ولی نتوانسته است جای خود را در جامعه غالب معماران و خصوصاً در کشور ما که به دلیل ضعف زبان معمولاً روش مطالعه بصری

و ارتباط با پیغامهای نوین از راه تصاویر است، باز کند.

ثانیاً تا به امروز بیشترین آثار این نگرش در طرح‌های اصلاح و مناسب‌سازی ساختمان‌های ساخته شده عمومی ظاهر شده است (۱۵) و تعداد آثاری که از پایه بر مبنای این نگرش طرح و احداث شده باشند کم و آنچه موجود است غالباً از نوع مسکن برای مردم کم درآمد جامعه است. از آنجا که در این نوع معماری‌ها خاستگاه معیارها را فقط ارزش‌های مردم مصرف‌کننده تشکیل می‌دهند لاجرم آثار نمودی متواضع و خاموش می‌یابند و درک محاسن آن بی‌جستجو میسر نخواهد شد. که متأسفانه کمتر اتفاق می‌افتد و چنین است که زیبایی محسوس این آثار با محصول ایسم‌های متعاقب معماری مدرن به رقابت بر نمی‌خیزد.

برای مثال نگاهی به پروژه مسکن خانواده‌های کم درآمد مکزیکی که در دهه هشتاد ساخته شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت، تصاویر، خالی از فایده نیست. (۱۶) مطالعه این نمونه با تعمق لازم نشان می‌دهد که هرچند زیبایی محسوس این اثر از زیبایی آرمانی "مد"های زمانه دارد ولی آنچه هست خالص، غیرالحاقی و مردم‌وار است. همین صفات زیبایی معقول اثر را به درجات بالا ارتقاء داده است. خاصه آن که زیبایی معقول اثر، از حد نمای ظاهری فراتر رفته و در تمام مراحل ساخت و برپایی با تشریک مساعی مردم با سبالیته مطلوب جاری است.

ثالثاً نگرش میان رشته‌ای مذکور مولود ضرورت بوده است نه تفنن و متأسفانه ضرورت‌ها همیشه بعد از گذشت بحران اگر به کلی از یاد جامعه نرود در مرتبه دوم و سوم اهمیت قرار می‌گیرد. جامعه ما نیز از این بابت مستثنی نیست. هنوز جماعت زیادی به خاطر می‌آوریم که در اوایل بازسازی مناطق جنگی، آرزوی ساخت و ساز با کیفیت برتر به امید

فرونشاندن اندوه ویرانگری‌های دشمن در دل جامعه ما به سختی شعله‌ور شد و این آرزو همکاری رشته‌های مختلف علوم را دامن زد. به طوری که اگر همتی برای تداوم آن می‌شد احتمالاً اتلافی نظیر آنچه در غرب افتاده بود به وقوع می‌پیوست. ولی افسوس که به دلایل عدیده که معمولاً بار فرهنگی آن‌ها نیز غیر قابل انکار است همکاری علوم چندان نپائید و به زودی هرکس راه خود را در پیش گرفت و به کار خود پرداخت. به طوری که اگر امروزه جسته و گریخته تحقیقاتی از نوع مطالعات میان رشته‌ای معماری و علوم رفتاری در کشور ما انجام می‌شود غالباً موردی و با قابلیت تعمیم اندک و تا مرز زایش تئوری‌های علمی فاصله بسیار دارند ●

۹- حاشیه :

- 1- Altman, 1976, Canter 1975
- 2- Altman, 1976
- 3- Proshansky, 1990
- 4- همان
- 5- همان
- 6- Vitruvius, 1914
- 7- Lang, 1974
- 8- Gutman, 1972

۹- اعتبار و اطمینان

- 10- Reynolds, 1971
- 11- Altman, 1976
- 12- Alexander, 1985
- 13- Altman, 1976

۱۴- برای نمونه رجوع شود به مجله

Environment & Behavior

- 15- Sommer 1969, 1972
- 16- Alexander, C. et al. 1985

مضامین مطرح:

اطلاعات پایه درباره عوامل انسانی، فعالیت‌های انسان، ماهیت و
تاثیر آن‌ها، کنترل انسانی، فضای کار و آرایش آن، ویژگی‌های محیط از
لحاظ روشنایی، صدا، حرکت، حمل و نقل و تسهیلات آن.

منابع مهم در این نگرش

Grandjean, E. Ergonomics of The Home, N.Y. : John
Wiley, 1973

....., ed. Ergonomics & Health in Modern Offices,
Philag Taylor & Francis, 1984

Kantowitz, B. H. & R.D. Sorkin, eds. Human Factors :
Understanding People-System Relationships. N.Y.
John Wiley, 1983

Kira, A. The Bathroom, Ithaca, N.Y. : Center of
Housing & Environmental Studies, Cornell University,
1966

McCornick, E.J. & M.S. Sanders. Human Factors in
Engineering & Design, New Delhi ; McGraw - Hill,
1982

Nasa. "Antropometric Sources Book, vol.1 :
Anthropometry for Designers : vol. 2 : Handbook of
Anthropometric Data ; Annotated Bibliography of
Anthropometry." Webb Associates for Nasa, 1978 vol.3

ملاحظات

بخش عمده مطالعات بالا به طبیعت انسان
مستقل از بار فرهنگی آن توجه می‌کند. همین امر به قابلیت تعمیم
مطالعات به جامعه ما افزوده است.

جدول ۲- انسان پدیده‌ای ادراکی / انگیزه‌ای

مضامین مطرح	محیط چگونه درک می‌شود، معنا و تجسم می‌شود، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و زیبایی درک می‌شود.
منابع مهم در این نگرش	Gibson, S.S. An Ecological Approach to Visual Perception. Boston, Houghton Mifflin, 1979. Hochberg, S. Perception, Englewood Cliffs, N.Y. : Prentice-Hall, 1964 Lynch, K. The Image of The City. Cambridge, Mass : MIT press, 1960 Neisser, U. Cognition & Reality. San Francisco : Freeman, 1977 Passini, R. Wayfinding in Architecture, N.Y. : Van Nostrand Reinhold, 1984 Pocock, D. & R. Hudson. Images of the Urban Environment. N.Y. : Columbia U. Press, 1978 Nasar, J, L. Environmental Aesthetics, Theory, Research & Applications, N.Y. Cambrige U.Press, 1988
ملاحظات	با توجه به شرایط جامعه ماکلیات و روش‌های مطالعاتی نگرش بالا قابلیت بهره‌برداری و تعمیم دارد.

نشانه گذاری، احراز تملک، احراز تعلق، خلوت دفاعی، قلمرو دفاعی، شلوغی ...	مضامین مطرح :
Altman, I, & M. Chemers. Culture & Environment. Monterey, CA. Brooks/Cole, 1980	منابع مهم مطالعاتی
Gardiner, R.A. Design for Safe Neighborhoods, Washington D.C. : G. P. O. 1978	
Hall, E. T. The Hidden Dimension. N.Y. Doubleday, 1966	
..... . "Meeting Man's Basic Spatial Needs in Artificial Environments". In Jon Lang et al., eds., Designing for Human Behavior : Architecture & The Behavioral Sciences.	
Stroudsburg, PA. Dowden. Hutchinson & Ross, 1974	
Newman, O. Community of Interest, N.Y. Anchor, 1979	
..... , Defensible Space : Crime Prevention Through Urban Design, N.Y. : McMillan, 1972	
Proshansky, H, et al. eds. Environmental Psychology : Man & His Physical Setting , N.Y. Holt Rinehart & Winston, 1976	
باتوجه به شرایط جامعه ماکلیات و روش های مطالعاتی قابلیت بهره برداری و تعمیم دارد.	ملاحظات

جدول ۴- انسان پدیده‌ای مبتنی بر بوم

مضامین مطرح: ماهیت محیط، بستر رفتاری، شلوغی، ...

Altman, I. Environment & Social Behavior,

Monterey, CA. : 1975

Barker, R. "Ecology & Environment" in S. Friedman &

J.B. Juhasz, eds. Environments : Notes & Selection

on Objects, Space & Behavior, Monterey, CA. :

Brooks/ Cole, 1974

..... Ecological Psychology : Concepts &

Methods for Studying Human Behavior, Stanford,

CA. Stanford U. Press 1968

با توجه به شرایط جامعه ما، کلیات و الگوهای ذهنی تبیین‌کننده رفتار انسان

قابل استفاده است ولی برای تعمیم مطالعات انجام شده در باب رفتارهای

«غیرکلامی» و «مکان‌محوری» احتیاط لازم ضروری است.

ملاحظات

- 11- Sommer, R., Design Awareness, San Fransisco : Rinehart Press, 1972
- 12-, Personal Space ; The Behavioral Basis of Design, N.J. : Prentice - Hall, 1969

١٠- منابع :

- 1- Alexander, C. et al, THE Production of houses, N.Y. OXFORD U. PRESS 1985
- 2- Altman, I. Environment & Social Behavior Ca : Brooks, Cole, 1975
- 3- Canter, D. ed, Environmental Interaction, Great Britain, SurreyU.press, 1975
- 4- Gutman, R. ed. People & Building, N.Y. : Basic Book, 1972
- 5- Ittelson, W. et al, An Introduction to Environmental Psychology, N.y. : Holt, Rinehart & Winston, 1974
- 6- Lang, J. Creating Architectural THEORY, N.Y. : Van Nostrand Reinhold Company, 1987
- 7- Lang, J. et al., eds. Designing for Human Behavior, Pa. : Dowden, Hutchinson & Ross, 1974
- 8- Mercer, Ch. Living in Cities ; Psychology & Urban Environment, Penguin Books, 1975
- 9- Proshansky, H., et al Environmental Psychology ; People & Their Physical Settings, N.Y. Holt, Rinehart & Winston, 1976
- 10- Reynolds, P.D., A Primer in Theory, N.Y. The Bobbsmerril Company, 1971